

مدیریت واحد زنجیره ارزش راهکار تنظیم بازار محصولات کشاورزی است



یک کارشناس اقتصاد کشاورزی با تاکید بر اینکه مسئولین باید با قاعده‌گذاری درست زمین بازی را برای دلال‌ها تعریف کنند، گفت: وقتی مسئولی می‌گوید که دلال‌ها دارند بازار را به هم می‌ریزند، این فرد در اصل دارد ناکارایی خودش و ناکارایی مدیریت ساختار تحت مدیریت خودش را بیان می‌کند.

به گزارش پایگاه خبری صنعت غذا و کشاورزی، محمدجواد مویدیان کارشناس اقتصاد کشاورزی در گفت‌وگو با برنامه «یه روز تازه» شبکه ۵ سیما درباره وضعیت بازار محصولات کشاورزی گفت: متأسفانه وضعیت بازار محصولات کشاورزی در ده ماه گذشته خیلی خوب نبوده است و ما شاهد بودیم از همان روزهای ابتدایی سال ۱۳۹۹ که بعضی محصولات مثل پیاز و حتی نهاده‌هایی مثل جوجه یک‌روزه که در تولید زنجیره‌ارزش مرغ به کار می‌رود روزهای خوشی را نداشتند و این وضعیت دومین‌وار ادامه پیدا کرد. نهایتاً شاهد هستیم که بازار لبنیات، گوشت، مرغ و تخم مرغ و حتی سبزی و صیفی، نهاده‌های دامی یکی پس از دیگری با گستره و عمق زیادی دچار نابسامانی شدند.

مویدیان در پاسخ به این سوال که راهکار مدیریت این بخش چیست،

اظهار داشت: راهکار خیلی شفافی وجود دارد که در کشورهای پیشرو در حوزه کشاورزی هم استفاده شده است. در مدیریت یک بخش اقتصادی یا حتی کسب و کار اقتصادی اصلی وجود دارد که مدیریت آن زنجیره اقتصادی یا زنجیره ارزش باید واحد و یکپارچه باشد. این مدیریت واحد الزاما به معنی این نیست که همه وظایف کل زنجیره در یک سازمان متمرکز بشود، اما مسلما بدین معناست که مدیریت و سیاست‌گذاری برای آن زنجیره ارزش یا کسب و کار اقتصادی دست یک نهاد واحدی باشد.

وی افزود: این وضعیت به چند دلیل باید ایجاد شود، یکی اینکه بتواند تنظیم‌گری درستی بین تولید، تنظیم بازار و تجارتش انجام دهد و این‌ها با هم ناهماهنگ نباشند؛ یک دلیل دیگر این هست که پاسخگو باشد. به این موضوع اصطلاحا «مدیریت واحد- پاسخگوی واحد» می‌گویند. اگر چند مدیر برای یک زنجیره داشته باشیم فراقنی‌ها شروع می‌شود، پاسکاری مسئولیت شروع می‌شود؛ اگر یک نابسامانی مثل این ده ماه گذشته در بازار اتفاق بیفتد، مدیران بین خودشان پاسکاری می‌کنند و در نهایت، هم مصرف‌کننده هم تولیدکننده متضرر خواهند شد کسی هم پاسخ ایشان را نمی‌دهد.

این کارشناس اقتصادی درباره مصادیق مدیریت یکپارچه در حوزه محصولات کشاورزی گفت: تجربه جهانی نشان می‌دهد که کشورهای پیشرو در زمینه کشاورزی مثل ایالات متحده، برزیل، کانادا، هند، چین، روسیه که کشورهای بزرگی در فضای تجارت محصولات کشاورزی به حساب می‌آیند، این مدیریت واحد زنجیره ارزش بخش کشاورزی را به کار می‌گیرند.

مویدیان اضافه کرد: در کشورمان خودمان و در سطح کلان هم قانون تمرکز وظایف و اختیارات بخش کشاورزی در وزارت جهاد کشاورزی در سال ۹۱ تصویب شد و از سال ۹۲ اجرایی شد. اجرای این قانون از سال ۹۲ تا ۹۵ که به صورت ناقص هم اجرا شد دستاوردهای خوبی برای کشور داشت. برای این مدت نرخ رشد میانگین ۳٫۸۵ درصدی در بخش کشاورزی داشتیم، در حالی که نرخ رشد کل اقتصاد با نفت و بدون نفت با توجه به تحریم به ترتیب ۲٫۵ و ۲ بود یعنی میانگین رشد کشاورزی بیش از سایر بخش‌ها بود که از ۱٫۲ شروع می‌شد تا ۵٫۴ درصد رشد کشاورزی داشتیم.

وی ادامه داد: ما در زمینه ضریب خودکفایی محصولات اساسی خیلی پیشرفت کردیم. سال ۹۵ بیش از ۱۴ میلیون تن گندم تولید کردیم و عملا خودکفا شدیم. در زمینه‌ی ضریب خودکفایی برنج، واردات برنج از

حدود ۱٫۹ میلیون تن به ۸۰۰ هزار تن رسیدیم. ضریب خودکفایی شکر ۸۴ درصد شد و داشتیم به مرز خودکفایی می‌رسیدیم و اجرای این قانون این دستاوردهای مثبت را برای ما داشت.

این کارشناس اقتصادی در پاسخ به این سوال که آیا فقط دلال‌ها و قاچاقچیان در نابسامانی بازار تاثیرگذار هستند یا نه، اظهار داشت: متأسفانه یک اتفاقی که این روزها هم خیلی شاهد آن هستیم این است که وقتی از مسئولی پرسیده می‌شود علت نابسامانی بازار چه چیزی است، به گروه‌هایی مانند «دلال‌ها»، «احتکارگران»، «قاچاقچیان» و حتی «وزارتخانه‌ی بغل‌دستی» که وظایفش را درست انجام نداده است، اشاره می‌کند. اما اینها همه دلایل نیستند بلکه خود این‌ها در زنجیره ارزش بازیگر هستند و ما هیچ‌وقت نمی‌توانیم آن‌ها را به‌طور کامل حذف کنیم بلکه باید برایشان نقش تعریف کنیم و ریل را درست بگذاریم که آن‌ها در زمین بازی ما بازی نکنند.

مویدیان افزود: در واقع، وقتی مسئولی می‌گوید که دلال‌ها دارند بازار را به هم می‌ریزند، این فرد در اصل دارد ناکارایی خودش و ناکارایی مدیریت ساختار تحت مدیریت خودش را بیان می‌کند.

وی با تاکید بر اینکه دلایل آشفتگی بازار به دو گروه «دلایل زمینه‌ای» و «دلایل اجرایی» تقسیم بندی می‌شوند، گفت: دلایل زمینه‌ای دلایل یا عواملی هستند که در بازار، قاعده و سیاست‌گذاری و ریل و زمین بازی را تعریف می‌کنند. عوامل اجرایی عواملی هستند که جرقه‌ی شعله‌ور شدن آن آتش را می‌زنند. مثلاً تصور کنید در یک سالی مراتع بارش خوبی داشته و آنجا علوفه‌ی زیادی رشد کرده و آن علوفه را ما دست نزده‌ایم مثلاً دام نبرديم یا برداشت نکرده‌ایم و آن علوفه خشک شده است. مسلماً این خشک شدن علوفه‌ای که شاید ارتفاع یک متر داشته باشند، خیلی خیلی بیشتر از وقتی که این علوفه نباشند یا خیلی حجمشان کمتر شده باشد زمینه‌ساز آتش‌سوزی مرتع هستند. دلایل زمینه‌ای همچنین وضعیتی دارند یعنی زمینه را ایجاد می‌کنند اما آن چیزی که آن نابسامانی را شروع می‌کند دلایل اجرایی هستند که می‌توانند دلال‌ها باشند. پس چه چیزی مهم‌تر و مبنایی‌تر هست؟ آن دلایل زمینه‌ای که در بازار وجود دارد. مثل سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و تعریف سازوکار بازاری که توسط مسئولان انجام می‌شود.

مویدیان در پایان تاکید کرد: ما اگر بخواهیم مدیریت درستی بر بازار محصولات کشاورزی داشته باشیم ناگزیر هستیم از اینکه مدیریت زنجیره ارزش را به دست یک متولی واحدی بسپاریم که هم پاسخگو باشد

هم بتواند کل حلقه‌های مختلف این زنجیره را با هم هماهنگ بکند. مصادیق مختلفی هم برای هماهنگی و تنظیم اجرایی بازار می‌تواند به‌کار گرفته شود مثل بورس کالا یا موارد مختلفی که البته جای بررسی و تحلیل بیشتر دارد.

سرویس خبری: کشاورزی